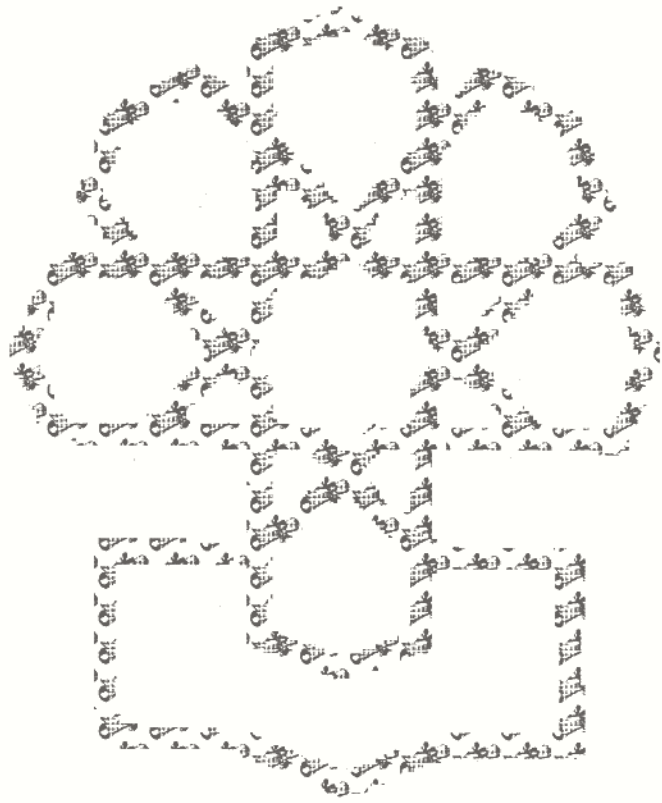




اسلام و شاخصهای توسعه



کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

این گزارش بنا به درخواست جناب آقای مهندس یحییوی تهیه شده است.

معاونت پژوهشی

تیر ۱۳۷۵

کد گزارش: ۳۶۰۱۵۲۹

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
 کتابخانه واحد اسناد و کتابخانه ملی
 شماره: ۷۴۷۱
 تاریخ: ۱۳ / ۱۱ / ۷۲

تعریف دقیق و جامع شاخصهای توسعه می‌تواند اهداف هر نظامی را مشخص کرده و نزدیکی یا دوری از آن، میزان فاصله از اهداف را معین نماید. اگر هدف اقتصاد را تأمین رفاه یا افزایش تولید ناخالص ملی یا مقاصدی از این قبیل دانسته و یا هدفی ورای از آن را مد نظر داشته باشیم، تعریف ما از توسعه و شاخصهای آن متفاوت می‌گردد.

مخاطبان اقتصاد اسلامی اعم از ملل مسلمان بوده و تمام انسانها را شامل می‌گردد و اقتصاد در جامعه اسلامی، مفهومی فراتر از تأمین رفاه مادی دارد. در مقاله حاضر برآنیم ضمن ارائه تعاریفی از توسعه اقتصادی، اهداف و شاخصهای توسعه، این شاخصها را از دیدگاه اسلام بررسی نماییم.

فصل اول: تعریف توسعه اقتصادی

در مورد توسعه تعریفهای فراوان و گوناگونی ارائه شده است که در اینجا به ذکر چند نمونه از آنها بسنده می‌کنیم.

«فرانسوا پرو» در تعریف توسعه اقتصادی می‌گوید:

«توسعه اقتصادی ترکیبی است از تغییرات روحی، روانی و جمعیتی که بتواند محصول حقیقی ناشی

از اقتصاد تولیدش را به طور مستمر افزایش دهد».^(۱)

توسعه اقتصادی به نظر «شومپتر» مانند «مارکس»، اساساً به پدیده تکامل تدریجی سیستم به وسیله خود سیستم اطلاق می‌شود، ولی «شومپتر» مسئله نوآوری یا ابداع را مطرح می‌نماید.^(۲) ابداع به عقیده وی، به صورت ارائه ایده، روش، محصول بازار و منبع عرضه جدید و امثال آن بروز می‌کند. بدین ترتیب، ابداع به عنوان پدیده‌ای کیفی و پویا وارد فرایند توسعه اقتصادی شده و آن را از مفهوم رشد اقتصادی در حالت کمی و ایستا متمایز می‌سازد.

«باقر ساروخانی» در تعریف توسعه می‌گوید:

«توسعه [در معنای اخلاقی یا زیستی، به معنای گسترش، شکوفایی، بسط و رشد است. از دیدگاه

اجتماعی، رشدی هماهنگ، همبسته و موزون در همه ابعاد مادی، روانی و معنوی است».

وی در مورد تفاوت مفاهیم توسعه و رشد می‌گوید:

«تفاوت توسعه با رشد (Growth) در گسترده‌گی معنای آن است. در حالی که رشد به معنای بسط

زیربنای اقتصادی است، توسعه نه تنها متضمن رشد، بلکه مستلزم آن است که همه ابعاد مادی حیات به

صورتی هماهنگ شکوفا شوند. تنها رشد مادی به گسترده‌گی فنون نینجامد، بلکه رشد مادی در خدمت

انسان، تعالی و رفاه وی باشد...»^(۳)

۱- زندگی حقیقی، فنون تجزیه و تحلیل اقتصادی، ص ۲۲۸

۲- تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، ص ۳۹۶

۳- ساروخانی، باقر، درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات مؤسسه کیهان.

کیندلبرگرینز در کتاب توسعه اقتصادی درباره تفاوت مفاهیم رشد و توسعه چنین می‌گوید: «رشد اقتصادی به عنوان یک پدیده ایستا به معنای ازدیاد تولید است و از این نظر هرگاه تولیدات یک جامعه رشد کمی نشان دهد (در حالی که جمعیت ثابت باشد) اقتصاددانان معتقد هستند رشد اقتصادی حاصل شده است، زیرا «تولید سرانه» افزایش یافته است.

لیکن توسعه اقتصادی به عنوان یک «پدیده پویا» فقط افزایش در میزان تولید نیست بلکه شامل تمام تغییرات فنی و بنیادی مانند پیشرفت فنی و تغییرات بنیادی که در میزان اشتغال از طریق رشد جمعیت و همچنین تغییرات سازمانی در چگونگی روش و نوع تولید و سرمایه‌گذاری در صنایع زیربنایی مانند آب، برق، تلفن، ارتباطات، بهداشت و فرهنگ و غیره می‌شود. گرچه رشد اقتصادی شرط لازم برای توسعه اقتصادی است، لیکن برای شکستن «دایره شوم فقر» در کشورهای عقب مانده هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند.»^(۱)

فصل دوم: اهداف توسعه اقتصادی

توسعه وسیله‌ای برای کسب مستمر و روز افزون مال و ثروت محسوب می‌شود. البته پس از کسب مال و ثروت، هدفهای مختلفی از جمله بالا بردن سطح زندگی، تغییر نوع زندگی، تسریع توسعه، تقویت نیروی نظامی، کمک به کشورهای توسعه نیافته و مانند آنها مطرح می‌گردد.

در سال ۱۹۷۰، طرح سؤال از نحوه استفاده از حاصل رشد فراتر رفت و به سؤال درباره مناسب و بیجا بودن خود رشد کشیده شد. از نقطه نظر جهانی، ترس از کمیابی و شرایط حیات مطرح شد.

در برابر افزایش جمعیت، سرعت رشد مصرف مواد اولیه، اشکال تأمین مواد غذایی رضایتبخش برای تمام جمعیت روی زمین و بالاخره عمومیت یافتن آلودگی هوا، این سؤال مطرح است که آیا کره زمین می‌تواند همین طور با آهنگ گذشته به رشد ادامه دهد، و آیا تعمیم رشد ۲۰ الی ۲۵ ساله اخیر کشورهای صنعتی به تمام کشورها ممکن است؟ «باشگاه رم» با طرح این سؤالات، به صراحت از کندی رشد اقتصادی طرفداری کرد. به نظر می‌رسد به جای برخاستن علیه رشد، بهتر است انواع رشد را مورد بررسی قرار دهیم.

فصل سوم: شاخصهای توسعه اقتصادی

تعریف دقیق و جامع شاخصهای توسعه به منظور وصول سریعتر به اهداف، از ضروریات هر نظامی محسوب شده و میزان نزدیکی و یا دوری از هدف را مشخص می‌نماید.

تولید ناخالص ملی (GNP)

تولید ناخالص ملی سنجش پولی انواع کالاها و خدمات گوناگون است که یک جامعه با استفاده از

۱- تفضلی، فریدون. تاریخ عقاید اقتصادی.

زمین، کار، منابع سرمایه‌ای و دانش فنی خود تولید می‌کند. این میزان برابر مجموع ارزش پولی تمام کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای و نیز خریدهای دولتی است.

رفاه خالص اقتصادی (NEW)

تولید ناخالص ملی، معیار ناقصی برای سنجش رفاه اقتصادی واقعی است. روش مناسب دیگر سنجش رفاه اقتصادی (NEW) است. برای محاسبه NEW باید اقلام چندی مانند ارزش فراغت، خدمات خانگی و فعالیتهای خودیاری را به GNP افزود، و در مقابل هزینه‌های جبران نشده آلودگی و دیگر نامطبوعیتهای زندگی شهری و نیز دیگر عوامل تعدیلی را از آن کاست. حاصل کار همچنان در بردارنده رشد مثبت NEW خواهد بود، ولی به میزانی کندتر از رشد GNP.

فصل چهارم: شاخصهای توسعه در اسلام

شاخصهای توسعه در اسلام به دلیل وسعت و گوناگونی اهداف، با شاخصهای موجود توسعه در جهان و مکاتب اقتصادی متفاوت است. هدف اسلام و نظام اسلامی از توسعه نه فقط ایجاد گسترش رفاه در جامعه، بلکه برآوردن تمام نیازهای مردم بوده و مخاطبان آن نیز نه فقط ملت‌های مسلمان، بلکه تمام مستضعفان جهان و انسانهای روی زمینند. وسعت و گستره اهداف نظام اسلامی و تفاوت آن با نظامهای غربی ایجاب می‌کند شاخصهای توسعه در نظام اسلامی به گونه‌ای تعریف و تقویم شوند که از حیث شمول تمام اهداف و سیاستهای داخلی و خارجی نظام اسلامی اعم از ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی در جامعه، گسترش روابط با سایر کشورها و خصوصاً ملل غیر مسلمان، کمک به نهضت‌های آزادیبخش و ... را در بر گرفته و مقدمات وصول به این اهداف را فراهم سازد.

از آنجا که رشد بسیاری از شاخصهای موجود توسعه در جامعه اسلامی - به دلیل تفاوت اهداف با نظامهای غربی (که اقتصادشان مبتنی بر نظام سرمایه‌داری است) - نمی‌تواند بیانگر نزدیکی یا دوری از اهداف باشد، بنابراین، نظام اسلامی در تعریف شاخصهای توسعه باید همه اهداف والای اسلام را به صورت تمام و کمال در نظر گرفته و شاخصها را به گونه‌ای معرفی نماید که ذره‌ای فاصله گرفتن از آن، نمودار نزدیک شدن یا دور شدن نظام از اهداف باشد.